

#### میدون و سوفیا

### هر ۴۰۰ ایرانی یک دزد!



#### یوریا عالمی

• سوفیا... عشقم... می‌خواستم در نامه امروز قربان صدقه‌ات بروم، اما دیدم جانشین فرمانده نیروی انتظامی گفته: «در کشور بر اساس اطلاعات موجود ۲۰۰ هزار سارق داریم». بعد با خودم فکر کردم چه خوب است ما در تولید دزد به خودکفایی رسیدیم و الان ما‌زادش را می‌توانیم صادر کنیم خارج‌جه.

بعد هم ۲۰۰ هزار دزد در کشور یعنی به‌ازای هر ۴۰۰ نفر ایرانی یک دزد وجود دارد و این یعنی هیچ‌کس احساس نخواهد کرد که ازش دزدی نخواهد شد و چه حس هیجان‌انگیزی بیشتر از این برای مردم؟ البته حواست باشد سوفیا! ما ۲۰۰هزار نفر دزد داریم که عملاً آفتابه‌دزد هستند و تلوزیون هم هی نشانشان می‌دهد و این بدبخت‌ها دوباره فردا که آزاد شدند می‌روند آفتابه‌دزدی، منتها ۲۰۰ نفر اختلاس‌گر داریم که مایه مباحث هستند و اگر هم احیاناً اینها را تلوزیون نشان بدهد دارند تقدیر می‌شوند! در ضمن خوشبختانه مسئولان ما دزد نیستند، منتها این چندسال گویا گوشه لحاف داداش برخی مسئولان و بچه‌هاشان باد داده است، اما ما این عزیزان را نت‌خوار را توی این ۲۰۰ هزار نفر حساب نمی‌کنیم. اینها آدم‌های بدی نیستند و خیلی هم فرهنگی و خوش‌تیپ هستند و راستش پروژه‌های تپل هم دست آنهاست!

طفکک محمود احمدی‌نژاد! این‌همه پول بخی‌وبیلا کرد و دوروبری هاش خوردند و بردند، خودش واقعا بیچاره ماند. این نامه آخرش را خواندی که چرا هیشکی هوای او و رفقای محبوبش را که پرونده اقتصادی دارند، ندارد؟ واقعا دل من سوخت براش. یعنی محمود توی سال‌های ریاست‌جمهوری و شهرداری این‌قدر بذل‌وبخشش کرد، یک آدم باارام وجود ندارد برای محمود و رفقا‌ش دوتا تلفن بزند؟ یا سند بگذارد؟

بعد سوفیا وقتی ما ۲۰۰ هزار نفر دزد در کشور داریم عجیب است که این دزدها یک اداره کل برای خودشان داشته باشند؟ آیا الان که چنین چیزی ندارند کارشان را جاهای مختلف راه می‌اندازند؟ ما نمی‌دانیم.

می‌دانی سوفیا؟ یکی مثل من که نه چیزی دارد که ازش دیگر بدزدند، نه عرضه دارد دزد بشود، باید چه غلطی بکند؟

#### پیشنهاد

### مجمع عمومی انجمن روزنامه‌نگاران

• جمعه، ۲۸ دی، ساعت ۱۰:۳۰ نوبت اول مجمع عمومی عادی انجمن صنفی کارگری روزنامه‌نگاران استان تهران در محل این انجمن در خیابان شریعتی، بالاتر از ظفر، نبش خیابان کودکان غزه، پلاک ۴۸ برگزار می‌شود. ارائه گزارش عملکرد هیئتمدیره و خزانه‌دار رسیدگی به آن، ارائه گزارش عملکرد بازرس و رسیدگی به آن و انتخاب بازرس و علی‌البدل بازرس در این مجمع صورت می‌گیرد. هریک از اعضای انجمن می‌تواند برای حضور در مجمع عمومی فقط به یکی از اعضای انجمن وکالت دهد و هر عضو فقط می‌تواند وکالت یکی دیگر از اعضا را برعهده گیرد. هیئتمدیره این انجمن از تمام اعضا خواسته است برای حضور در این جلسه شرکت کنند. در این مجمع قرار است گزارشی از فعالیت‌های هیئتمدیره و بازرسان نیز از روند فعالیت‌ها داده شود.

#### پیشخوان

#### چه خواهد شد؟

چهل‌وپنجمین شماره ماهنامه شبکه آفتاب (ویژه تن متن) با داستان و جستارهای اختصاصی از آندری کورفک، علی‌خدایی، محمودحسینی‌راد، پیمان هوشمندزاده، مصطفی هزاره، نسیم مرعی، سینا دادخواه، امیرحسین خورشیدفر، پویه مینایی و... منتشر شد. این شماره شبکه آفتاب که با تغییر قطع همراه است و شکل کتابی به خود گرفته، به موضوعی که این‌روزها همه نگرانیم و درباره‌اش می‌پرسیم: «چه خواهد شد؟» اختصاص دارد. البته تأثیر مشکلات کاغذ و چاپ سبب شده است تا این ماهنامه فرهنگ و جامعه به صورت سیاه‌وسفید منتشر شود. یادداشت‌هایی از ۱۵ نویسنده که از سراسر جهان مانند آمریکا، اوکراین، ترکیه، افغانستان، یوگسلاوی و... برای این ویژه‌نامه نوشته‌اند که چه انتظاری دارند و فکر می‌کنند چه اتفاقی برای کشورشان و ایدئال‌ها و آرمان‌هایشان رخ خواهد داد، در آن آمده است. به نظر می‌رسد شبکه آفتاب این‌بار شیوه خود را تغییر داده و در کنار ویژه‌نامه، مجموعه‌ای از داستان‌های ترجمه و همچنین داستان از نویسندگان ایرانی نیز به چاپ رسانده، همچنین برگردان کنتاروس از ژوزه ساراماگو از نازنین دیهیمی نیز در این نشریه ۱۶۶ صفحه‌ای به چاپ رسیده است، مترجمی که اگر زنده بود ۳۰ ساله می‌شد. این ماهنامه با قیمت ۲۰ هزار تومان در کتابفروشی‌ها و کیوسک‌های روزنامه‌فروشی قابل دسترسی است.

# شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه « ۲۷ دی ۱۳۹۷ | ۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۰ | ۱۷ ژانویه ۲۰۱۹ »
سال شانزدهم | شماره ۳۳۴۵ | ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۴ | اذان مغرب ۱۷:۳۶ | اذان صبح فردا ۵:۴۵ | طلوع آفتاب ۷:۱۳

#### روزنفرها

#### کارتون خواب

#### آتجل بولیگان



#### منظومه خاموش ۹

### محاصره شدید

برگرداند. درواقع ما تقریباً محاصره شده بودیم. چطور؟ از سمت چپ خاکریز راه برگشت نداشتیم، چون وقتی کاربیز که مثلاً یک کیلومتر بود تمام می‌شد، بی‌پناه توی دشت و در مقابل عراقی‌ها را می‌شدیم. سمت راست خاکریز، سسه‌راه مرگ بود و یک راهش همان جاده تدارکاتی بود که زیر توپ مستقیم عراقی‌ها قرار داشت و آنها آنجا را به آتش کشیده بودند. بعید بود کسی از آنجا جان سالم به‌در ببرد. پشت‌سرم‌ان دریاچه ماهی بود و مقابلمان هم خاکریز و کانال و عراقی‌های نشسته توی تانک‌ها. بنابراین محاصره شده بودیم.

آن‌طور که گفتند، گردان ما کاملاً خط را از برادران لشکر کرلا تحویل گرفته بود. من با کوله امدادم به طرف راست؛ یعنی جاده تدارکاتی رفتم. دیگر کاملاً از کار امداد منصرف شده بودم. می‌خواستم مهمات بیاورم. شنیدم که آن‌طرف جاده تدارکاتی مقدار زیادی کوله آری‌چی هست. راه افتادم. به جاده که رسیدم، کوله‌ام را انداختم تا تحرک بیشتری داشته باشم. وسط جاده از طرف بعضی‌ها دید بیشتری داشتم. خبری از آتش عراقی‌ها نبود. این شد که دل به دریا زدم و با تمام وجودم گفتم: با صاحب‌الزمان... و دویدم و بدون آسیب از عرض جاده گذشتم. درست گفته بودند. آنجا مهمات بود، ولی نه آن‌قدر زیاد. یک گونی را که چند کوله آری‌چی در آن بود به کول کشیدم و باز بی‌خطر از عرض جاده برگشتم. از این سر خاکریز راه زیادی رفتم. هرچه می‌رفتم تمام نمی‌شد. بچه‌ها می‌گفتند اینها را جلوتر ببر. وقتی به جلو رسیدم نفس نداشتم. کم‌کم متوجه شدم که مشکل کمبود مهمات نیست؛ یعنی برای این کار نیاز نبود هست. از راه‌گردن کار امدادگری و انداختن کوله‌ام پیشمان شدم. البته مسئله قابل جبران بود، چون امدادگرانی بودند که مجروح یا شهید شده و کوله‌هایشان راها شده بودند. من هم دو یا سه کوله امداد پیدا کردم. توی کوله یک امدادگر شهید، یک قوطی تن ماهی بود. با احساس نمادین کسی که انکار دارد حق شهید مظلومی را می‌خورد، تن را برداشتم.

#### تجربه دیگران

قدیمی، بطری‌های خالی و بسیاری لوازم دیگر در این فروشگاه برای شگشتن عرضه می‌شوند. در مسه تقریباً ۶۰۰ نفر به این مرکز مراجعه می‌کنند و ماهانه ۱۵ هزار بطری در اینجا شکسته می‌شود. صاحبان این فروشگاه می‌گویند که هدف آنان نه ترویج خشونت، بلکه تخلیه خشم برای افرادی است که در کلان‌شهری مانند پکن زندگی می‌کنند و هر روز با استرس و فشار زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.



امان‌الله قریابی‌مقدم جامعه‌شناس

مرکز آمار ایران در روزهای اخیر آمار تکان‌دهنده‌ای از وضعیت فرهنگ در ایران منتشر کرده است که نشان می‌دهد با وضعیتی هشداردهنده مواجه هستیم. از نتایج آمار منتشرشده درمی‌یابیم که حدود ۸۰ درصد ایرانی‌ها در یک سال گذشته حتی یک‌بار هم به سینما نرفته‌اند، ۹۰درصد ایرانی‌ها در این مدت حتی یک‌بار هم به تئاتر نرفته‌اند، ۳۲درصد ایرانیان می‌گویند در یک سال اخیر به موسیقی گوش نکرده‌اند و ۴۰درصد هم‌وطنان ما می‌گویند در این بازه زمانی هیچ کتاب غیردرسی‌ای نخوانده‌اند.

یکی از معایب پیدایش تلوزیون این بود که چون نوعی سینمای خانگی به وجود آمد و وسیله ارتباط جمعی در خانه جا خوش کرد، رفتن به بیرون از خانه



بهمن کشاورز حقوق‌دان

**تذکر مهم: این مطلب عقیده فردی غیرمتخصص درخصوص مورد است نه دیدگاه کارشناس حقوق سیاسی و دیپلماسی.**

۱- «جیمز مونرو» (متولد ۱۷۵۸- متوفی به سال ۱۸۳۱) از مزرعدران برده‌دار ورجینیا که البته معتقد به آزادکردن بردگان در آمریکا و بازگرداندن آنان به آفریقا بود و به همین علت از اسکان سیاهان در سرزمینی که بعدها لیبریا نامیده شد و پایتخت آن را «مونروویا» نامیدند، حمایت می‌کرد، از سیاستمداران ایالت متحده بود. او به مقام وزارت جنگ و وزارت خارجه رسید و سرانجام از ۱۸۱۷ تا ۱۸۲۵، به مدت هشت سال رئیس‌جمهور شد. مونرو در سوم دسامبر ۱۸۲۳ در پیام سالانه‌اش به کنگره، روش و دکنترنی را اعلام کرد که تأثیری درازمدت و شاید دائمی بر سیاست خارجی آمریکا گذاشت. این دکنترین شامل چهار اصل بود: نخست: دخالت‌نکردن آمریکا در مسائل اروپا اعم از کشمکش‌های داخلی یا جنگ بین دول اروپایی، دوم: دخالت‌نکردن آمریکا در تقسیم‌بندی‌های استعماری موجود در نیمکره غربی، و به مناعت آمریکا از ایجاد مستعمرات جدید به وسیله قدرت‌های خارجی در قاره آمریکا، چهارم: تلقی هرگونه تلاش کشورهای اروپایی برای تسلط بر ملت‌های نیمکره غربی یا سرکوب آنها، به‌عنوان اقدام خصمانه علیه آمریکا. دکنترین مونرو بعدها دامنه وسیع‌تری پیدا کرد و ژاین را هم در بر گرفت و هرچند به طور عام در حقوق بین‌الملل پذیرفته نشد، اما در معاهده ورسای به رسمیت شناخته ش «منبع «دایرةالمعارف ناسیونالیسم- زیر نظر الکساندر ماتیل- سرپرستان ترجمه فارسی کامران فانی- محبوبه مهاجر- چاپ و نشر کتابخانه تخصصی وزارت خارجه- جلد دوم).

۲- در سال ۱۳۹۲ وقتی دولت سوریه به کاربرد سلاح شیمیایی منتهم و به‌این‌ترتیب عبور این دولت از خط قرمز آقای اوباما ظاهراً محقق می‌شد، دولت‌های آمریکا و انگلستان و فرانسه در ظاهر به اقدام نظامی جدی علیه سوریه مصمم بودند، اما به‌تدریج انگلستان به لحاظ رای مجلسش به اصطلاح «جا زده» و فرانسه هم در این‌گونه موارد- اگر قضیه جدی باشد- شریک قابل اعتمادی نیست. ناچار آمریکا ماند و «اوباما» که چیزی نمانده بود این دو رفیق نان خونی در سفره‌اش بگذارند؛ اما گویا به‌موقع قضیه را فهمید و دکنترین مونرو به دانش رسید و برای دخالت در امور خارج از آمریکا مصوبه کنگره لازم و قضیه با امحای سلاح‌های شیمیایی سوریه حل شد (مراجعه بفرمایید به مقاله «اوباما- دکنترنی مونرو» معکوس؟ شماره ۱۸۲۲- ۱۴/۲/۹۲ صفحه یک «شرق»)، البته در دو جنگ جهانی اول و دوم آمریکا با وجود این که در جنگ جهانی اول در جنگ دخالت کند؛ دخالتی که البته پرهزینه و

کم شد و تمام تفریح و سرگرمی افراد به درون خانه محدود شد و مردم کمتر به مکان‌هایی مانند سینما و تئاتر و کوه و طبیعت رفتند. جامعه‌شناسان وسایل ارتباط جمعی مانند هارولد لاسول و مارشال مک‌لوهان از چند دهه پیش در مورد این خطر هشدار داده بودند.

مشخص بود که تلوزیون جای کتاب و تئاتر و سینما و تفریحات بیرون از خانه را در هفته می‌گیرد. به همین علت تصمیم بر این شد که تلوزیون-جالب و جذاب شود و جنبه آموزشی بیشتری پیدا کند تا اوقات فراغت بینندگان تلوزیون، پر و غنی شود. به‌این‌ترتیب، کم‌شدن میزان مطالعه و مراجعه به سینما و تئاتر و به‌واسطه تلوزیون-امری طبعی و عادی بوده و تلوزیون متأسفانه همه اینها را پوشش داده و جانشین همه شده است. از سوی دیگر جذاب‌نبودن برنامه‌های تلوزیون، گرایش به ماهواره را زاینتر کرده است و چون فیلم‌های صداسویمای گرایانی لازم را ندارند و اصولاً محیط از شادی و نشاط خالی شده، شاید ۶۰، ۷۰کانال ماهواره‌ای مردم را جذب می‌کنند. یکی از مهم‌ترین

#### پشت تاریخ

## آقای ترامپ و دکنترین مونرو

درعین‌حال مالا پرفایده بود و جای پای آمریکا را در اروپا و خاور دور و تا حدی در خاور نزدیک و میانه محکم کرد و بعداً طرح مارشال و اصول ترومن این حضور را توجیه و منظم کرد.

۳- دخالت در ویتنام و بعداً عراق، افغانستان و سوریه که به نظر می‌رسد دست‌انورد چشمگیری برای آمریکا نداشته و به‌ویژه تلفات در جنگ ویتنام خاطره و سابقه دردناکی برای آمریکاییان ایجاد کرده است، احتمالاً باعث شد که آقای ترامپ «خروج نبره‌های آمریکایی» را از کشورهای خارجی، یکی از شعارهای انتخاباتی خود قرار دهد. هرچند- بدون اینکه آمار مبتنی بر بررسی‌های میدانی داشته باشم- کم‌ووبیش گمان می‌کنم آمریکایی‌ها تلفات گهگاه را به شرط حفظ سیطره جهانی پذیرفته‌اند؛ اما به‌هرحال وعده انتخاباتی کسی که به انتخابات بعدی هم چشم دوخته است، باید عملی می‌شد. ازاین‌رو آقای ترامپ خروج نیروهای آمریکایی را از سوریه و افغانستان و بقای آنها را در عراق اعلام کرد؛ اما «وردشتش»، جان بولتون توضیح داد که دراین‌باره جدول زمانی خاصی وجود ندارد.

۴- بااین‌حال گمان می‌رود آقای ترامپ به اجرای دکنترین «مونرو»، ولو به طور محدود یا تفسیری که خود از این دکنترین دارد، مصمم است. مواردی این شاید مؤید این استنباط باشد. الف: نبود اقدام مؤثر در قبال الحاق کریمه به روسیه ب: نبود اقدام مؤثر در قبال اقدامات طرفداران روسیه در اوکراین پ: نبود اقدام مؤثر در قبال برخی عملیات ویژه منتسب به روسیه در نقاط مختلف جهان، ت: مطالبه اجرت در قبال ارائه خدمات نظامی به ناتو و کشورهای که آمریکا در آنها نیرو دارد یا ممکن است داشته باشد ت: اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه درباره مهاجران به آمریکا ج: وضع تعرفه بر کالاهای وارداتی و ج: خروج از برجام و بسیاری دیگر- از مقاله‌نامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی و... و موارد بسیار دیگر.

۵- ظاهراً آقای ترامپ قصد اجرای دکنترین مونرو را با خوانش و روش خاص خود در دو زمینه قاره‌ای و جهانی دارد. در محدوده قاره‌ای آثار این روش را در م‌اجرای دیوار کدایی بین مکزیک و آمریکا و درعین‌حال موضع‌گیری‌هایش در ونزوئلا و حمایتش از دست‌راستی‌ها در آمریکای لاتین می‌توان دید. در سطح جهانی آشکار است که آقای ترامپ با مسائل بین‌المللی برخوردی کاملاً کاسب‌کارانه دارد. در پی این است که معاملات و مبادلات تجاری را با بیشترین سود و کمترین ضرر ادامه دهد و درعین‌حال می‌خواهد تعهدات نظامی آمریکا را در سراسر جهان به حداقل -نزدیک به صفر- برساند. این روش، اگر موفقیت‌آمیز باشد، در انتخابات آینده به او کمک خواهد کرد؛ به‌ویژه با توجه به اینکه آثار اقدامات آقای اوباما برای افزایش اشتغال و کاهش بی‌کاری اینک ظاهر و به نام و کام افتاق ترامپ تمام شده است.

۶- دراین‌میان دو اشکال برای آقای ترامپ وجود دارد: یکی اینکه از معاملات پرسود اسلحه دل‌کنند ممکن نیست و دیگر اینکه با وجود لابی بسیار قدرتمند

#### دور دنیا

## محافظت از خود در مقابل هراس دیگران

دریافت جایزه اسکار است. این بازیگر در گفت‌وگو با گاردین اندکی پس از دریافت جایزه گلدن گلوب، با اشاره به مسائل مسلمانان در آمریکای ترامپ، از مسکالتی که برداشت و از اینکه باید از خود در مقابل «افرادی که از من می‌ترسند» محافظت کند، گفت. بازیگر ۴۵ ساله زاده اوکلند کالیفرنیا که پدرش نیز بازیگر تئاترهای برادوی بوده، عضو جماعت اسلامی احمدیه است. او از سال ۲۰۰۳ در حوزه سینما فعالیت داشته، ولی اولین فیلم مهمی که بازی کرده «مسود عجیب بنجامین باتن» در سال ۲۰۰۸ بوده و پس از آن در فیلم‌هایی مانند «مکانی پشت کاج‌ها»، «عطش مبارزه: مرغ مقلد» و فیلم برنده جایزه اسکار «مهاب» ظاهر شده و این روزها با حضور در فیلم موفق «کتاب سبز» برنده جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد گلدن گلوب ۲۰۱۹ شده و از مدعیان

مهرشالا علی، بازیگر مسلمان سیاه‌پوست آمریکایی، هفته گذشته ضمن گفت‌وگویی با روزنامه بریتانیایی گاردین، از مشکلات نژادی و مذهبی جامعه آمریکا برده برداشت و از اینکه باید از خود در مقابل «افرادی که از من می‌ترسند» محافظت کند، گفت. بازیگر ۴۵ ساله زاده اوکلند کالیفرنیا که پدرش نیز بازیگر تئاترهای برادوی بوده، عضو جماعت اسلامی احمدیه است. او از سال ۲۰۰۳ در حوزه سینما فعالیت داشته، ولی اولین فیلم مهمی که بازی کرده «مسود عجیب بنجامین باتن» در سال ۲۰۰۸ بوده و پس از آن در فیلم‌هایی مانند «مکانی پشت کاج‌ها»، «عطش مبارزه: مرغ مقلد» و فیلم برنده جایزه اسکار «مهاب» ظاهر شده و این روزها با حضور در فیلم موفق «کتاب سبز» برنده جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد گلدن گلوب ۲۰۱۹ شده و از مدعیان

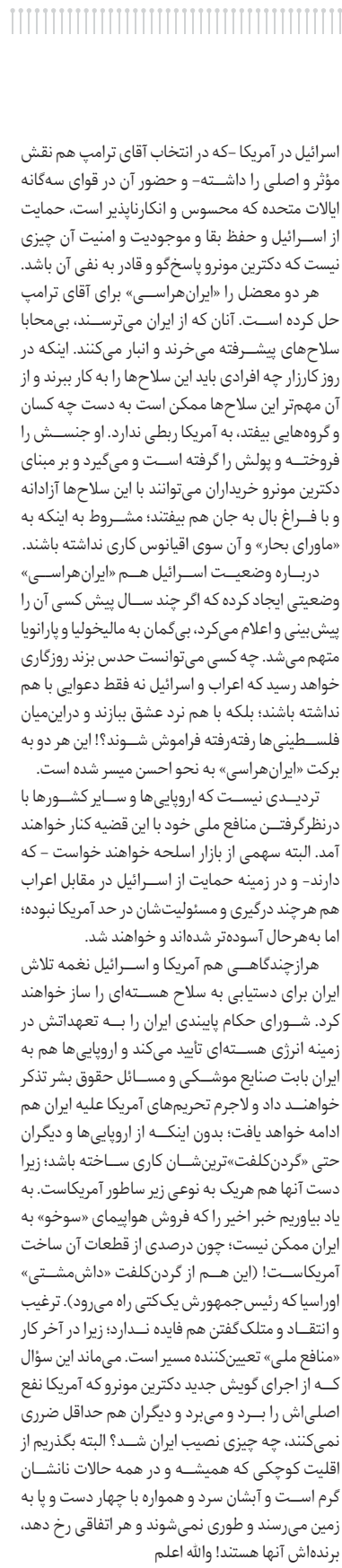
مهرشالا علی، بازیگر مسلمان سیاه‌پوست آمریکایی، هفته گذشته ضمن گفت‌وگویی با روزنامه بریتانیایی گاردین، از مشکلات نژادی و مذهبی جامعه آمریکا برده برداشت و از اینکه باید از خود در مقابل «افرادی که از من می‌ترسند» محافظت کند، گفت. بازیگر ۴۵ ساله زاده اوکلند کالیفرنیا که پدرش نیز بازیگر تئاترهای برادوی بوده، عضو جماعت اسلامی احمدیه است. او از سال ۲۰۰۳ در حوزه سینما فعالیت داشته، ولی اولین فیلم مهمی که بازی کرده «مسود عجیب بنجامین باتن» در سال ۲۰۰۸ بوده و پس از آن در فیلم‌هایی مانند «مکانی پشت کاج‌ها»، «عطش مبارزه: مرغ مقلد» و فیلم برنده جایزه اسکار «مهاب» ظاهر شده و این روزها با حضور در فیلم موفق «کتاب سبز» برنده جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد گلدن گلوب ۲۰۱۹ شده و از مدعیان

مهرشالا علی، بازیگر مسلمان سیاه‌پوست آمریکایی، هفته گذشته ضمن گفت‌وگویی با روزنامه بریتانیایی گاردین، از مشکلات نژادی و مذهبی جامعه آمریکا برده برداشت و از اینکه باید از خود در مقابل «افرادی که از من می‌ترسند» محافظت کند، گفت. بازیگر ۴۵ ساله زاده اوکلند کالیفرنیا که پدرش نیز بازیگر تئاترهای برادوی بوده، عضو جماعت اسلامی احمدیه است. او از سال ۲۰۰۳ در حوزه سینما فعالیت داشته، ولی اولین فیلم مهمی که بازی کرده «مسود عجیب بنجامین باتن» در سال ۲۰۰۸ بوده و پس از آن در فیلم‌هایی مانند «مکانی پشت کاج‌ها»، «عطش مبارزه: مرغ مقلد» و فیلم برنده جایزه اسکار «مهاب» ظاهر شده و این روزها با حضور در فیلم موفق «کتاب سبز» برنده جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد گلدن گلوب ۲۰۱۹ شده و از مدعیان

#### یادداشت

## وضعیت هشدار برای فرهنگ جامعه

وسایلی که می‌تواند در جامعه شادی تزریق کند، رادیو و تلوزیون است، ولی نبود برنامه‌ها و فیلم‌ها و سریال‌های شاد، خواننده و موسیقی جذاب، خودبه‌خود سبب گرایش مردم به سریال‌های غربی می‌شود. این مشکل بزرگی است که در جامعه‌ای موسیقی نباشد. هنوز هم می‌توانید نوای موسیقی قدیمی پاپ یا محلی را از خودروهای عبوری بشنوید، صدای خوانندگانی که بسیاری از آنها فوت کرده‌اند و این نشان می‌دهد که جامعه برای شنیدن موسیقی سنتی، موسیقی روحوضی، موسیقی کوچ‌بازاری و... تشنه است، اما کار تلوزیون ما شده است سخنرانی و صحبت و از سوی دیگر از همین گفته‌های تلوزیون هم سلب اعتماد شده. این مسئله درواقع کانال‌های ماهواره‌ای را جایگزین کتاب، تئاتر، سینما، موسیقی و حتی تلوزیون داخلی کرده است، چنان‌که مدتی پیش آقای ضرغامی هم گفتند ۷۰درصد مردم ماهواره می‌بینند. با درنظرگرفتن مجموع این عوامل، درمی‌یابیم که آمار ارائه‌شده چندان غی‌رعادی نیست.



نیویورک که بخش بزرگی از زندگی‌ام را آنجا گذرانده‌ام، در خیابان، در وسایل نقلیه عمومی حواسم بود هم لباسی نپوشم که مردم بفهمند اعتقاداتم چیست... آنها به من به چشم یک مرد سیاه‌پوست نوعی نگاه می‌کردند. حتی کفش تنیس به پا نمی‌کردم چون متوجه شدم خانم‌ها به طرف دیگر خیابان می‌روند تا از نزدیک بودن با من پرهیز کنند، روز با شب فرق نمی‌کرد، جواهرات حلقه دستشان را می‌چرخاندند به طرف کف دستشان. این نکات کوچک همیشه اندیم می‌کرد... بنابراین برای اینکه این فکر به وجود آمده که ما موجوداتی هستیم که باید از خودم در مقابل هراس دیگران محافظت کنم، باید کارهایی می‌کردم که از این مسائل پیشگیری کنم. خیلی از سیاه‌پوستان در سراسر دنیا همین کار را می‌کنند، چون این فکر به وجود آمده که ما موجوداتی هستیم که باید از ما ترسید یا ما خطرناک هستیم».